

سیاست
نگاه به شرق»
بخشی از راهبرد
دفاعی، امنیتی و
سیاست خارجی
چندجانبه‌گرا
محسوب می‌شود.
به همان‌گونه‌ای که
قدرت‌های بزرگ
از یک‌جانبه‌گرایی
برای قابلیت ایران
بهره‌می‌گیرند،
جمهوری
اسلامی نیز ناچار
خواهد بود تا
چندجانبه‌گرایی
را در چارچوب
سیاست نگاه
به شرق تبیین،
سازماندهی و به
مرحله اجرا گذارد.

در چنین شرایطی بود که زمینه برای شکل‌گیری امتیازهای متوازن پی‌درپی برای روسیه و انگلیس در حوزه نظامی‌گری، بانکداری، گمرکات و حتی سیاست خارجی به وجود آمد. مرحوم مدرس مفهوم «سیاست موازنه‌عدمی» را برای بی‌اثرسازی الگوی رقابت قدرت‌های بزرگ در زمین بازی ایران در دستور کار قرار داد.

در مرحله دوم زمینه برای ملی‌شدن صنعت نفت به وجود آمد. مذاکرات قوام در مسکو برای خروج نیروهای نظامی اتحاد شوروی زمینه طرح امتیاز نفت شمال را به وجود آورد. بسیاری از اعضای پارلمان ایران نه تنها با اعطای امتیاز نفت شمال مخالفت کردند، بلکه زمینه لازم برای مقابله با امتیاز نفت جنوب و شرکت نفت ایران و انگلیس را در دستور کار قرار دادند. در این دوران تاریخی دکتر محمد مصدق، «سیاست موازنه منفی» را برای عدم امتیاز استعماری به قدرت‌های بزرگ در دستور کار قرار داد.

انقلاب اسلامی در شرایطی به پیروزی رسید که آمریکا و اتحاد شوروی به عنوان دو قدرت بزرگ ساختاری جهان، دارای رویکرد نسبتاً مشابه و متوازنی در برابر انقلاب ایران بودند. آنان به این موضوع واقف بودند که انقلاب اسلامی می‌تواند موازنه قدرت منطقه‌ای را با تغییر روبرو سازد. به همین دلیل است که ایران «سیاست نه شرقی و نه غربی» را به عنوان محور اصلی تفکر عرصه روابط خارجی خود قرار داد. بر اساس چنین انگاره‌ای، نشانه‌هایی از مقابله با توسعه طلبی آمریکا و اتحاد شوروی در محیط منطقه‌ای و هم‌جوار ایران فراهم شد.

واقعیت آن است که «سیاست نه شرقی و نه غربی» مربوط به دوران تاریخی خاص خود است. دورانی که ساختار نظام دوقطبی، ماهیت شرقی و غربی داشت. در دوران کنونی، جلوه‌هایی از فرادستی و همچنین تفاهم راهبردی بین قدرت‌های بزرگ در مقابله با بازیگران منطقه‌ای وجود دارد. در چنین شرایطی، ایران به تدریج روند سیاست خارجی خود را از رویکرد «نه شرقی، نه غربی» که ماهیت رادیکال و مقابله‌جویانه دارد، به «سیاست چندجانبه‌گرایی» در عرصه سیاست خارجی تغییر داده است.

«چندجانبه‌گرایی» را می‌توان زیربنای اصلی روند‌های جدید ایران دانست. الگوی رفتار ایران در دورانی که محیط منطقه‌ای پیچیده و متنوع گردیده، معطوف به سازوکارهای چندجانبه‌گرا بوده است. برای تحقق این هدف از دیپلماسی چندوجهی استفاده می‌شود. چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی چندوجهی معطوف به پیوند اهداف هویتی با سایر سازوکارهای کنش امنیتی، اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی کشورها بوده که در راستای منافع مشترک و تهدیدات مشترک سازماندهی می‌شود. «دیپلماسی چندوجهی»، زمینه‌های لازم برای کنش دیپلماتیک در محیط مبتنی بر چندجانبه‌گرایی را فراهم می‌سازد. کشورهایی که بتوانند از الگوی چندجانبه‌گرایی برای تأمین اهداف راهبردی خود استفاده نمایند، طبیعی است که قادر خواهند بود تا به نتایج مطلوب‌تری در حوزه سیاست خارجی نائل گردند. ضرورت‌های سیاست خارجی ایران به‌گونه‌ای سازماندهی شده که تحقق «چندجانبه‌گرایی» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. به هر میزان که سازوکارهای